

بررسی تطبیقی حق حبس در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا مصوب ۱۹۸۰

ام البنین درویش پوریان^۱، هرمز اسدی کوه باد^۲

^۱ کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، اصفهان ایران
^۲ استادیار حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، اصفهان، ایران.

نام نویسنده مسئول:

هرمز اسدی کوه باد

چکیده

حق حبس یکی از راهکاری تضمین اجرای تعهدات در کلیه عقود معاوضی در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی است. در هر دو وضعیت حقوقی؛ حق حبس بر همزمانی و مطلق بودن تعهدات و عدم وجود استثنائات در حق حبس و در قبال عوضین استوار است. در حقوق ایران، حق حبس برای تعهدات اصلی اجرا می شود و در خصوص تعهدات فرعی و رد مبیع و بازرسی کالا توسط خریدار و محافظت از مبیع در زمان تأخیر خریدار در قبض مبیع قانونی تدوین نگردیده است. در کنوانسیون، حق حبس هم در تعهدات اصلی و هم در تعهدات فرعی قابلیت اجرا دارد. در این مقاله شباهت ها و تفاوت ها این نهاد حقوقی بررسی تا امکان ارائه راه حلی جهت اجرا حق حبس در تعهدات فرعی در حقوق ایران فراهم گردد.

واژگان کلیدی: حق حبس، حقوق ایران، کنوانسیون بیع بین المللی کالا، تضمین، اجرای تعهدات.

مقدمه

انسان موجودی است اجتماعی و جهت بر آوردن نیازها و رفع احتیاجات خود نیاز به برقراری روابط با دیگر انسان‌ها دارد. یکی از مهم‌ترین ابزار برای بر آوردن نیازها، انعقاد قراردادها است. در هر قراردادی قصد اصلی طرفین، اجرای تعهدات ناشی از قرارداد است. چنانچه یکی از طرفین در سررسید قرارداد، به اجرای تعهد خود اقدام نکند، اما طرف مقابل تعهدات خود را انجام دهد، این امر سبب ورود زیان‌هایی برای وی خواهد بود که در بعضی مواقع حتی با اقامه دعوا نیز جبران نخواهد شد و موجب صرف وقت و هزینه و زمان برای ذی‌نفع جهت استیفای حقوق خود خواهد بود؛ اما اگر از همان ابتدا تعهدات خود را انجام نداده تا طرف مقابل نیز تعهدات خود را همزمان انجام دهد از ورود خسارات ناشی از عدم اجرای تعهدات مصون خواهد ماند. یکی از طرق اجبار متعاملین به انجام تعهدات، حق حبس است، که هر طرف از اجرای تعهدات خود خودداری کند تا طرف مقابل حاضر به انجام تعهدات شود که در ماده ۳۷۷ قانون مدنی این امر به روشنی قابل استنباط است. در تجارت بین‌الملل با توجه به گسترش مبادلات در سطح جهانی، خصوصاً نوسانات ارزی در خصوص کشورهای توسعه‌یافته، همزمانی اجرای تعهدات اهمیت بیشتری دارد. چون در بعضی مواقع ممکن است منجر به ورود خسارات سنگین به تجار و ورشکستگی آنها گردد. بنابراین کنوانسیون بیع بین‌الملل سعی در ایجاد مقررات یکسان در زمینه بیع بین‌المللی داشته تا حقوق قراردادی طرفین که عضو کشورهای مختلف هستند رعایت شود و هدف آن بوده تا جایی که ممکن است مقررات کنوانسیون با توجه به خصیصه بین‌المللی بودن طبق بند یک ماده ۷ رعایت شده و در صورت صریح نبودن مقررات کنوانسیون بر طبق اصول کلی که کنوانسیون بر آنها مبتنی است مسایل قراردادی حل شود. در کنوانسیون بر همزمانی اجرای تعهدات تأکید شده و مقرراتی در ماده ۵۸ و ۸۵ و ۸۶ در این راستا تحت عنوان حق حبس تدوین شده است. در حقوق ایران امکان اجرای حق حبس در تعهدات اصلی وجود دارد و در تعهدات فرعی قانونی وجود ندارد که در این مقاله ارائه راه حل‌هایی در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- حق حبس در حقوق ایران

حق حبس ترکیب دو واژه حق و حبس است. حق به معنی قدرتی که از طرف قانون به شخصی داده شده است. حق در این معنی دارای ضمانت اجراست. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۶) از نظر لغوی واژه حبس اساساً یک واژه عربی است که آن را متضاد با تخلیه دانسته‌اند. حبس به معنی امساک کردن و ضبط نمودن است. (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱۹۸). حقوقدانان حق حبس را این‌گونه تعریف کرده‌اند:

بستگی و رابطه بین دو مورد عقد معوض با یکدیگر است که به هر یک از طرفین معامله حق می‌دهد، از تسلیم مورد تعهد امتناع کند تا طرف دیگر تعهد خود را انجام دهد. حق مزبور حق حبس گویند. (امامی، ۱۳۷۶: ۴۵۸)

۲- مفهوم حق حبس در کنوانسیون بیع بین‌المللی

در کنوانسیون بیع بین‌المللی پس از انعقاد بیع فروشنده موظف به تحویل اسناد و مدارک و تسلیم کالا طبق ماده ۳۰ به خریدار می‌باشد و خریدار نیز طبق ماده ۵۳ کنوانسیون موظف به تحویل ثمن به فروشنده است. طبق ماده ۵۸ کنوانسیون اگر در قرارداد بیع زمان مشخصی برای پرداخت ثمن مشخص نشده باشد خریدار می‌تواند تا زمانی که فروشنده اسناد و مدارک کالا را در تصرف وی قرار نداده است از پرداخت ثمن خودداری کند و اگر فروشنده کالا و اسناد مربوط به آن را در اختیار خریدار قرار دهد و خریدار باید ثمن را پرداخت کند، این وابستگی تسلیم هر یک از مبیع و ثمن به یکدیگر است اصطلاحاً حق حبس نامیده می‌شود (صفایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲۷). به عبارتی تسلیم کالا و پرداخت ثمن همزمان انجام شود.

۳- موارد تشابه بین حق حبس در کنوانسیون بیع بین‌المللی و حقوق ایران

۳-۱- انعقاد عقد بیع به صورت صحیح

حق حبس در حقوق ایران ماده ۳۷۷ و ۱۰۸۵ قانون مدنی و ۳۷۱ قانون تجارت استنباط می‌شود و در کنوانسیون از ماده ۸۵ و ۸۶ و ۵۸ حق حبس استنباط می‌شود و طبق ماده ۳۶۵ قانون مدنی بیع فاسد اثری در تملک ندارد و در نتیجه وقتی بیع صحیحی نباشد آثار آن که در ماده ۳۶۲ قانون مدنی بیان شده و همچنین تعهدات ناشی از عقد بیع و از آن جمله حق حبس به وجود نخواهد آمد. در عقد فاسد حق حبس نیست حتی در مقام رد عوضین (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱: ۲۹۳) در کنوانسیون فرض بر این است که قرارداد بیع به نحو صحیح انعقاد یافته است هر چند در این مواد ذکر از عقد صحیح نشده است اما از اصل ۴ کنوانسیون متوجه می‌شویم که از شرایط اعمال حق حبس وجود عقد صحیح است. چون فرض شده است که عقد صحیح است.

۲-۲- مطلق بودن اجرای تعهدات

موجল نبودن تعهدات

منظور از مطلق بودن اجرای تعهدات آن است که طرفین درباره زمان انجام تعهد توافق نکرده باشند، در صورتی که قانون یا عرف در خصوص زمان انجام تعهد حکمی نداشته باشد، هر دو تعهد عقد بیع طبق ماده ۳۴۴ قانون مدنی باید همزمان انجام شود. تعیین اجل همزمان مانع حق حبس نیست. (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۸۸)

بنابراین در عقد بیع نسبه و سلف حق حبس نیست و در کنوانسیون از ماده ۵۸ نیز می‌توان استنباط کرد که مهم‌ترین شرط برای اجرای اعمال حق حبس همزمانی اجرای تعهدات است نه حال بودن آنها مگر اینکه عرف و عادت و رویه‌های بین‌المللی خلاف آن را مقرر دارد (اندرز، ۱۳۹۳: ۱۲۰). از مواد ۸۵ و ۸۶ و ۸۱ نیز همزمانی اجرای تعهدات قابل استنباط است. البته با توجه به تملیکی بودن مقررات کنوانسیون و پذیرش اصل حاکمیت اراده تعیین اجل همزمان مانع اجرای حق حبس نیست. در حقوق ایران در صورتی که طرفین بر تقدم و تأخر اجرای تعهدات تراضی کرده باشند باید طبق ماده ۱۰ قانون مدنی بر طبق تراضی عمل کنند؛ بنابراین اگر تعهد یک طرف حال باشد یا با اجل زودتر انجام شود نمی‌تواند از حق حبس استفاده نماید تا تعهد طرف دیگر انجام شود، در صورت نقض تعهدات توسط کسی که باید تعهدش زودتر انجام شود طرف مقابل حق دریافت خسارت را دارد. در کنوانسیون نیز راجع به این امر مقررات مشخصی وجود ندارد؛ اما در زمانی که بین طرفین در خصوص تقدم و تأخر اختلاف شود باید به قصد مشترک طرفین و حسن نیت طبق ماده ۷ کنوانسیون توجه کرد.

۳-۳- اقساطی بودن یا تسلیم قسمتی از تعهد

اگر توافق خریدار و فروشنده بر قسطی بودن مبیع و ثمن باشد حق حبس به صورتهای زیر خواهد بود.
در اینجا ۲ مورد وجود دارد:

مورد اول) اگر اراده طرفین این باشد که هر کدام از اقساط به طور جداگانه و مستقل باشد، با پرداخت هر قسط طرف مقابل حق حبس ندارد.

مورد دوم) اگر اراده طرفین بر این باشد که هر قسط تعهد مستقل نباشد و ارتباط به هم داشته باشد، اجرای قسمتی از تعهد موجب اسقاط حق حبس نمی‌شود، به استناد قسط عقب‌افتاده طرف مقابل می‌تواند از حق حبس استفاده نماید (اندرز، ۱۳۹۳: ۱۲۹).
در کنوانسیون اگر توافق شده باشد که هر تحویل باید جدا از هم صورت گیرد، اگر بین طرفین در یک تحویل توافق حاصل نشود اما هزینه تحویل بعدی پرداخت شود، تحویل کالا نیز باید توسط فروشنده انجام شود (Maskow, 2005: 2) اگر تسلیم قسمت به قسمت موضوع تعهد توافق شده باشد وظیفه پرداخت فقط در مورد قسمتی خواهد بود که تسلیم شده است، این قاعده فقط در مورد تسلیم‌هایی که پایایی صورت می‌گیرد، صادق است (بیانکا و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۹۰). اگر قسمتی از تعهد حال و قسمتی دیگر موجل باشد، در این صورت حق حبس نسبت به تعهد حال برای هر یک از بایع و مشتری به وجود دارد (اندرز، ۱۳۹۳: ۱۳۰) چون همزمانی در اجرای تعهدات وجود دارد.

۴- استثنائات حق حبس

۴-۱- اعطای مهلت

در حقوق ایران اعطای مهلت از جانب هر یک از خریدار و فروشنده به دیگری برای پرداخت ثمن یا تحویل مبیع موجب سقوط حق حبس خواهد بود.

در فقه امامیه اگر چه نظر مشهور قایل به این است که حق حبس در بیع نسبه ساقط می‌شود اما برخی فقها تصریح کرده‌اند که در صورت خوف عقلایی مشتری می‌توان با تمسک به نظریه التقاص فی الامساک از حق حبس استفاده نمود (تبریزی، ۱۴۱۲: ۵۹۱).

اما اگر دادگاه طبق ماده ۲۷۷ قانون مدنی به مدیون مهلت دهد حق حبس ساقط نخواهد شد. (شهیدی، ۱۳۹۳: ۱۷۸)

اعطای مهلت قضایی و تعیین اجل در سر رسید مسقط حق حبس نیست زیرا اجلی که به ترتیب مذکور بر طلبکار تحمیل می‌شود حاکی از رضای او به تأخیر در پرداخت نیست و هیچ اماریتی بر سقوط حق حبس ندارد (سنهوری، ۱۹۹۸: ۱۱۴۵) و در صورت تردید بقای حق حبس استصحاب می‌شود چون بر اساس تراضی این امر واقع می‌شود.

در کنوانسیون به موجب بند ۱ اصل ۴۷ و طبق بند ۱ ماده ۶۳ خریدار و فروشنده می‌تواند جهت ایفای تعهدات به یکدیگر مهلت اضافی بدهد. این مواد از واژه می‌تواند استفاده کرده است و لذا این حق بایع و مشتری است نه تکلیف ایشان مثل این اصول، ماده ۴۹۴ و ۶۵۱ قانون مدنی قابل بررسی است.

۲-۴- انتقال دین از طریق ضمان و حواله

اگر شخص ثالثی پرداخت ثمن توسط بایع را ضمانت کند و بایع قبول کند طبق ماده ۶۹۸ قانون مدنی حق حبس بایع ساقط می‌شود.

اثر عقد ضمان در قانون مدنی نقل ذمه به ذمه است و در اثر ضمان ذمه مدیون اصلی بری می‌شود، و بایع پس از عقد ضمان حق حبس ندارد چون عقد ضمان تبدیل تعهد است که از موارد سقوط تعهدات است (اندرز، ۱۳۹۳: ۲۳۸) مگر اینکه مضمون له طبق ماده ۶۹۰ قانون مدنی عقد ضمان را فسخ کند.

ایراد نظر فوق این است که در بند ۴ ماده ۲۶۴ قانون مدنی یکی از طرق سقوط تعهدات تبدیل تعهد است که در نظریه فوق عقد ضمان تبدیل تعهد از طریق تبدیل مدیون تصور شده است درحالی‌که طبق نظر حقوقدانان آنچه در عقد ضمان تحقق پیدا می‌کند، جدا شدن دین از ذمه مدیون اصلی و قرار گرفتن آن در ذمه ضامن است، یعنی انتقال دین از ذمه‌ای به ذمه دیگر، بدون اینکه رابطه حقوقی زایل گردد و رابطه حقوقی جدیدی به وجود آید. حواله نیز انتقال دین است که فقط رضایت طلبکار در ایجاد آن شرط است بدون اینکه مانند تبدیل تعهد انشای قرارداد لازم باشد. (شهیدی، ۱۳۹۲: ۱۵۱) در ضمان ناقل ذمه، دین مدیون اصلی، به ذمه، ضامن منتقل نمی‌شود، بلکه حق مطالبه بستانکار، منحصر به ضامن می‌گردد و حق مطالبه از مدیون اصلی، ساقط می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۲۰۵) حواله نیز مانند ضمان موجب انتقال دین است چون طبق ماده ۷۳۰ قانون مدنی اگر فروشنده برای ثمن حواله برای خریدار صادر کرده و خریدار قبول کند در حکم ایفای تعهد و ایفای ثمن است.

اسقاط حق حبس از طریق ضمان و حواله مبتنی بر این است که ضمان در حکم تسلیم عوضین و اجرای تعهد است نه از این حیث که موجب سقوط تعهد از طریق تبدیل تعهد باشد چون در ضمان دین اصلی باقی می‌ماند و تبدیل تعهدی صورت نمی‌گیرد و بر همین اساس طبق ماده ۲۹۳ قانون مدنی در ضمان تضمینات بقوت خود باقی می‌ماند هر چند عده‌ای از فقها معتقدند که در ضمان وثایق دین از بین می‌رود. (نجفی، ۱۳۶۸: ۱۵۰)؛ اما کفالت فقط تضمین طلب است نه انتقال دین چون طبق ماده ۷۳۴ قانون مدنی با حاضر کردن مکفول کفیل بری می‌شود؛ و بنابراین کفالت موجب سقوط حق حبس نخواهد بود. هر چند عده‌ای از حقوقدانان معتقدند که عقد کفالت از عقود وثیقه است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۲۱۰) بدین معنی که به موجب آن یک طرف، وثیقه‌ای، معلوم به نفع طرف دیگر، قرار دهد و یا با التزام ثالث به نفع بستانکار، وضع او را در وصول طلب استوار کند، مانند مورد عقد ضمان و کفالت (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۱۹۹) در کنوانسیون در مورد اینکه اگر از متعهد ضمانت شود یا حواله صادر شود، حق حبس ساقط می‌شود، قانون صریحی وجود ندارد، فقط در بند ۳ ماده ۷۱ اگر نقض‌کننده احتمالی برای اجرای تعهد تضمین بدهد حق تعلیق از بین می‌رود. در این مورد با توجه به تکمیلی بودن مقررات کنوانسیون باید به حقوق داخلی طرفین قرارداد مراجعه کرد که چه اثری بر عقد ضمان مترتب است (اندرز، ۱۳۹۳: ۲۳۹). این امر با قیاس نقض فعلی که حق حبس است به نقض احتمالی که تعلیق است قابل توجیه است.

۳-۴- منافع و نمائات در مدت حق حبس

در حقوق ایران مالکیت مبیع برای خریدار و مالکیت ثمن برای فروشنده خواهد بود. اگر هر یک از طرفین از حق حبس استفاده نماید، نمی‌تواند در مال محبوس تصرف کند و منافع و نمائات در مدت حق حبس متعلق به مشتری است و در صورت استفاده بایع از منافع باید مثل یا قیمت آن را تادیه نماید. خریدار می‌تواند در مدت حق حبس مبیع را بفروشد، اما نمی‌تواند آن را تسلیم کند، ولی می‌تواند از مالک تسلیم را تقاضا کند اما مالک الزامی به قبول درخواست مشتری ندارد (حسینی عاملی، ۱۳۳۳ق: ۷۲۸) و «حاسب ضامن منافع فائده در ایام حق حبس نیست» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱، ص ۲۹۴).

از ماده ۴ و ۷ استنباط می‌شود که زمان انتقال مبیع به موجب حقوق داخلی مشخص می‌شود. از ماده ۸۵ کنوانسیون استنباط می‌شود که فروشنده وظیفه نگهداری مال را دارد، نه حق استفاده از منافع مال مورد حبس. حتی خود خریدار در زمانی که مالک است و از حق رد طبق ماده ۸۶ استفاده می‌کند باید از کالا محافظت کند و حق استفاده از منافع را ندارد.

۴-۴- حق حبس در قبال عوضین

در حقوق ایران طبق ماده ۳۷۷ قانون مدنی، قبض و اقباض عوضین بر همزمانی استوار است. اگر کالا طبق ماده ۳۷۸ قانون مدنی، قبل از عقد بیع در اختیار مشتری قرار داده شده باشد، بایع حق استرداد ندارد مگر اینکه به حيله و اکراه و اشتباه در اختیار مشتری باشد و یا در موردی که بیع فسخ شده باشد. در مورد فسخ، چون مالکیت به بایع بر می‌گردد، آنچه در نتیجه عقد باطل یا فسخ شده در تصرف دو طرف است تعهد قراردادی نیست و باید آن را ضمان قهری شمرد و در این مورد حق حبس وجود ندارد چون تقاص محسوب می‌شود که در قوانین پیش‌بینی نشده است. (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۸۵) در این مورد حق استرداد ناشی از اعاده مالکیت بایع نسبت به مبیع است نه ناشی از

حق فسخ (صفایی، ۱۳۸۸: ۷۵) اما عده‌ای از فقها معتقدند که پس از فسخ نیز حق حبس باقی است (نائینی، ۱۴۳۱: ۶۳) پس از فسخ عقد حق حبس وجود ندارد چون حق حبس مربوط به تعهدات متقابل است که همبستگی بین اجرای تعهدات وجود دارد و مربوط به هر دو طرف تعهد طبق ماده ۳۷۷ قانون مدنی می‌باشد اما حق فسخ با انشای یک طرف به وجود می‌آید و طرف مقابل به حکم قانون اجبار به انجام تعهد خواهد بود. در خصوص ثمن نیز این موارد قابل اعمال است. در کنوانسیون طبق بند ۱ ماده ۵۸، فروشنده برای تسلیم اسناد و کالا و مدارک حق حبس دارد. مشتری نیز از حق حبس طبق مفهوم مخالف بند ۱ ماده ۵۸ برخوردار است. مورد دیگر حق حبس خریدار در مورد ثمن، مربوط به ماده ۴۶ در خصوص درخواست بدل کالا است. طبق بند ۲ ماده ۵۸ نیز اگر کالا توسط متصدی حمل و نقل ارسال شود، فروشنده می‌تواند به متصدی حمل و نقل دستور دهد که کالا را زمانی به تصرف خریدار دهد که وی ثمن را پرداخت کند. اگر فروشنده در اجرای تعهدات خود تأخیر کند، خریدار نه تنها مستحق دریافت خسارت است، بلکه تاریخ پرداخت هم به نفع وی تغییر می‌کند (بیانکا و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۱).

۵- تفاوت حق حبس در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی

۱-۵- حق حبس برای طرفین

در حقوق ایران، حق حبس حقی است که برای هر دو طرف قرارداد پیش‌بینی شده است. از عبارات ماده ۳۷۷ ق.م که بیان می‌کند: هر یک از بایع و مشتری به روشنی این امر قابل استنباط است. جایی که فقط یک طرف حق حبس دارد، ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی در خصوص عقد نکاح که باید این ماده را تفسیر مضیق کرد و با عقود دیگر مقایسه نکرد، چون در تجارت رعایت تساوی حقوق طرفین است. در کنوانسیون بند ۱ ماده ۵۸ قسمت آخر بیان می‌کند که بایع می‌تواند تسلیم کالا را منوط به تادیه ثمن نماید و از مشتری سخنی به میان نیآورده است و به الزام مشتری به تادیه ثمن اشاره کرده است. البته در بند ۳ این ماده به حق حبس خریدار برای بازرسی کالا و اینکه وی می‌تواند ثمن را نپردازد تا اینکه امکان بازرسی فراهم شود، اشاره شده، ولی در مورد حق وی در تحویل گرفتن کالا در مواردی که نیازی به بازرسی نیست تصریح نشده است؛ هر چند می‌توان آن را از بند یک ماده ۷۱ کنوانسیون استنباط کرد. (صفایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۵۴) بند یک ماده ۷۱ از واژه متعهد استفاده کرده که هم شامل خریدار و هم شامل فروشنده است.

۲-۵- حق حبس در بازرسی کالا

در کنوانسیون بر اساس بند ۳ ماده ۵۸، خریدار تا زمانی که فرصت بازرسی کالا داشته باشد، ملزم به تادیه ثمن نیست. این یک امتیاز برای خریدار محسوب می‌شود. تعهد خریدار برای بازرسی کالا در ماده ۳۸ کنوانسیون به طور مفصل بیان شده است و اگر قبل از بازرسی کالا را رد کند، اگر کالا معیوب باشد، از ضمانت اجرای عدم مطابقت برخوردار خواهد شد. (Schlechtriem, 1998, 302) اگر فروشنده مانع بازرسی کالا شود مطابق قرارداد عمل نکرده و باید جبران خسارت نماید. اگر کالا مطابقت با قرارداد نداشته باشد خریدار می‌تواند کالا را رد کند، یا تحویل گرفته از ثمن کسر گذارد، (نوری، اصغری آق مشهدی، ۱۳۸۳، ص ۸۴) یا کالا را تحویل گرفته و راه فسخ کامل یا نسبی قرارداد را اتخاذ کند و یا اگر عدم مطابقت در ارکان اساسی نباشد، کالا را قبول کند (Maskow, 2005: 4) و اقدامی به عمل نیآورد.

اگر فروشنده در پذیرش بازدید و کنترل محموله کوتاهی کند، خریدار می‌تواند متوسل به راه دیگری یعنی فسخ قرارداد شود که در این خصوص ماده ۴۵ دیده شود. از طرف دیگر حق آزمایش کالا از طرف خریدار شامل حق تصرف در کالا نمی‌شود. حق خریدار در آزمایش کالا لزوماً همانند تعهدات او در بررسی کالا مندرج در ماده ۳۸ نیست (Maskow, 2005: 4) آزمایش خریدار یک آزمایش سطحی است و مانع اقامه دعوا مطابق ماده ۳۸ و ۳۹ نیست. (Honnold, 1999: 424) خریدار ملزم نیست کالا را آن‌چنان بازرسی نماید که کلیه عیوب با نقایص احتمالی کشف گردد، بازرسی از سوی خریدار باید با توجه به اوضاع و احوال متعارف باشد و این بازرسی بر حسب شروط قرارداد مورد نظر، عرف تجاری، نوع کالا و خدمات فنی و تخصص و مهارت طرفین متفاوت است. (لاری ای و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۰۷). در حقوق ایران راجع به بازرسی کالا قبل از پرداخت ثمن قانونی وجود ندارد. ولی چون در حقوق ایران قاعده مطابق عرف است، خریدار عرفاً از چنین حقی برخوردار است؛ و می‌تواند در یک فرصت متعارف کالا را بررسی کند به شرط آنکه قبلاً کالا را ندیده باشد (صفایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۳۵) آنچه در حقوق ایران در این خصوص وجود دارد ماده ۴۱۰ و ۴۱۳ قانون مدنی است. همچنین اگر خریدار کالایی را دریافت کند که معیوب بوده ولی از آن مطلع نباشد، به استناد خیار عیب طبق مواد ۴۲۲ تا ۴۴۵ قانون مدنی می‌تواند عقد را فسخ کند. (اندرز، ۱۳۹۳: ۱۶۱) البته قانونگذار باید بهره‌گیری از عرف را در زمینه مطابقت نداشتن کالا در قوانین پیش‌بینی کند، چون این مبحث در حال حاضر در حقوق ایران تحت عنوان خیارهای وجود دارد که در نتیجه اعمال خیار حق فسخ است، اما با توجه به اینکه حق

فسخ ضمانت اجرایی سنگین است، قانونگذار می تواند از حق حبس که ضمانت اجرایی سبک تر استفاده نموده و با بهره‌گیری از اصل ۴۶ کنوانسیون که درخواست بدل را پیش‌بینی کرده، در مواردی هم به جای فسخ، درخواست بدل از طرف خریدار قبول شود.

۳-۵- محل پرداخت مبیع و ثمن

در حقوق ایران در رابطه با محل پرداخت ثمن، هر گاه توافق خاصی صورت نگرفته باشد، خریدار طبق ماده ۲۸۰ ق.م باید آن را در محل انعقاد قرارداد پرداخت نماید. ممکن است این محل با محل تسلیم مبیع متفاوت باشد که فروشنده نیز ملزم به تحویل مبیع در همان محل است. این قاعده با حق حبس ماده ۳۷۷ ق.م مطابقت دارد که مبیع و ثمن همزمان در محل انعقاد قرارداد مبادله می‌شوند؛ اما در کنوانسیون هر گاه توافقی راجع به محل پرداخت ثمن صورت نگرفته باشد، در صورت همزمانی تحویل مبیع و ثمن، ثمن باید در محلی که مبیع در آن تسلیم می‌گردد، پرداخت شود (صفایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۳۵). ماده ۵۷ کنوانسیون شامل شرایط قصور در پرداخت می‌شود و تنها زمانی کاربرد دارد که در قرارداد نه به صورت روشن و نه به صورت تلویحی مکان تحویل قید نشده باشد. به موجب ماده ۱۰ کنوانسیون محل پرداخت همان محل تجارت فروشنده است. به هر حال اگر در قبال تسلیم کالا یا اسناد و مدارک هزینه‌ای پرداخت نشود، پرداخت در نقطه تحویل کالا یا اسناد صورت می‌گیرد. اگر طرفین در مورد زمان در تاریخ دیگر، به توافق برسند، فروشنده می‌تواند خریدار را به پرداخت هزینه فقط بعد از کنترل حق تصرف کالا و اسناد مربوطه توسط خود خریدار ملزم کند (Gabriel, 2005: 3).

۴-۵- حق حبس در قبال هزینه نگهداری مبیع

در کنوانسیون طبق ماده ۸۵ در صورتی که خریدار در تحویل گرفتن کالا تأخیر کند و به وظیفه خود مبنی بر پرداخت ثمن عمل نکند، در این حالت باید فروشنده اقدامات لازم را جهت حفظ مبیع انجام دهد، چون مالکیت مبیع به مشتری انتقال یافته است و، حق فروش و دخل و تصرف در آن را ندارد. وظیفه نگهداری تا زمانی بر عهده بایع است، که مبیع هنوز در تصرف یا در کنترل بایع است مثل موقعی که به متصدی حمل و نقل تحویل داده طبق بند ۲ ماده ۵۸ اما هنوز به خریدار تسلیم نشده باشد. حق حبس فروشنده در این ماده در ۳ مورد است:

۱- در قبال عدم پرداخت ثمن. ۲- تأخیر در قبض کالا. ۳- عدم پرداخت هزینه‌های نگهداری مبیع.

اگر خریدار توان پرداخت هزینه‌ها را نداشته باشد، می‌تواند در قبال ارائه تضمین کافی کالا را تحویل بگیرد. (Schlechtriem, 1998: 669) در صورتی که فروشنده کالا را بدون اعمال حق حبس تحویل نماید، برای دریافت ثمن باید از طرق دیگر استفاده کند. در حقوق ایران، در صورتی که خریدار در قبض کالا تأخیر کند، ماده‌ای وجود ندارد که نشان دهد فروشنده متعهد به حفظ کالا می‌باشد؛ این صورت بر اساس ماده ۱۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی، فروشنده باید اظهارنامه رسمی مبنی بر تحویل کالا به خریدار بفرستد و در عین حال مبیع را به اجرای دادگاه تسلیم کند. در این صورت فروشنده تعهدی به حفظ کالا ندارد. (نوری، ۱۳۸۳: ۹۳) البته چون ماده قانونی در خصوص وظیفه نگهداری مبیع وجود ندارد ملاک عرف است. بنابراین حابس باید کلیه اقداماتی را که عرفاً برای نگهداری مال محبوس لازم است، انجام دهد (اندرز، ۱۳۹۳: ۲۰۱) این نظر با موازین حقوقی مطابقت دارد و تکمیل‌کننده نظر اول است، چون نظر اول با توجه به قسمت دوم ماده ۳۸۷ ق.م که رجوع فروشنده به دادگاه جهت تسلیم مبیع را مقرر می‌دارد صحیح است، اما در بعضی موارد فروشنده، امکان دسترسی به دادگاه را ندارد، یا فرض کنید مبیع یک راس گوسفند باشد، که خریدار در پرداخت ثمن و تحویل مبیع تأخیر داشته است، دادگاه جایی برای محافظت از مبیع ندارد و مسلماً فروشنده، طبق عرف موظف به نگهداری است. حتی طبق ماده ۳۸۷ قانون مدنی که قاعده تلف مبیع قبل از قبض را بیان می‌کند، دال بر این است، که نظر قانونگذار این بوده که فروشنده قبل از قبض مبیع توسط خریدار از کالا محافظت نماید. در مواردی هم که مبیع با تقصیر و اهمال بایع تلف شود، طبق قواعد مسئولیت مدنی بایع ضامن است و باید از عهده مثل یا قیمت مبیع بر آید. به حق حبس در قبال هزینه‌های نگهداری مبیع در حقوق ایران اشاره نشده است. هزینه نگهداری مبیع جز تعهدات فرعی عقد بیع می‌باشد و در حقوق ایران در خصوص حق حبس در قبال هزینه‌ها ۲ نظر وجود دارد:

۱. عده‌ای معتقدند که حق حبس صرفاً به تعهدات اصلی تعلق می‌گیرد و در تعهدات فرعی قابل اجرا نمی‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۹۰)

و حتی عده‌ای فراتر رفته و حق حبس را خلاف قاعده دانسته و فقط در موارد منصوص قانونگذار پذیرفته‌اند (شهیدی، ۱۳۹۳: ۱۶۵).

۲. عده‌ای معتقدند که اگر در عقد واحدی هر یک از طرفین چندین قصد داشته باشند و یکی از آنها از انجام برخی تعهدات امتناع

ورزد، طرف دیگر حق حبس خواهد داشت؛ و طبق این نظر حق حبس همیشه در تعهدات اصلی به وجود نمی‌آید و در تعهدات فرعی نیز قابل اعمال است و آن را به عنوان نظریه نقض قرارداد یا قانون در تعهدات مرتبط نام نهاده‌اند. برای اثبات مطلب به ماده ۳۷۱ قانون تجارت استناد کرده‌اند (اندرز، ۱۳۹۳: ۸۸). استناد به ماده ۳۷۱ قانون تجارت در نظریه فوق این اشکال را دارد که انجام عمل توسط حق العمل کار در ماده فوق زودتر از پرداخت هزینه‌ها توسط آمر انجام شده است و این وضعیت با منشأ حق حبس که مبادله‌های همزمان دو مورد

قرارداد بر اساس مفهوم معاوضه است، سازگاری ندارد و حق حبس برای یک طرف وجود دارد، درحالی که در حقوق ایران ماده ۳۷۷ ق.م. که مستند حق حبس است، برای هر دو طرف و در تعهدات اصلی وجود دارد و به تعهدات فرعی اشاره‌ای نکرده است. در مواردی مثل شروط که تعهدات فرعی در عقد می‌باشند، مشروط له می‌تواند از اجبار طبق ماده ۲۳۷ و ۲۳۸ قانون مدنی نماید و چنانچه اجبار طرفین ممکن نباشد، قانونگذار طبق ماده ۲۳۹ و ۲۴۰ قانون مدنی حق فسخ به متعهد له داده است و با توجه به عدم تصریح قانونگذار، اصل عدم حق حبس در تعهدات فرعی می‌باشد. ولی از باب تسبیب، خریدار مکلف است کلیه خسارات و هزینه‌های فروشنده را چنانچه وی به دادگاه مراجعه کند پرداخت نماید؛ و همچنین بر اساس ماده ۲۲۱ ق م که قید شده است تعهد عرفا به منزله تصریح است، استنباط می‌شود که بر حسب عرف و عادت این تعهد در ضمن عقد برای خریدار وجود دارد، که هزینه‌های نگهداری مبیع و مخارج آن را در زمان حق حبس به فروشنده بپردازد.

۵-۵- حق خریدار در رد کالا

اختیار رد کالای دریافتی توسط خریدار که در قرارداد یا کنوانسیون پیش‌بینی شده به آن معنی است، که وی حق دارد در صورتی که کالای دریافتی را موافق مشخصات قراردادی نیافت، طبق مواد ۴۹ و ۲۵ و ۲۶ کنوانسیون از تحویل گرفتن آنها خودداری کند (صفایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۱۸) و حتی اگر کالا از نظر حقوقی هم مطابقت نداشته باشد طبق ماده ۳۸ کنوانسیون خریدار حق رد دارد (بیانکا و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۴۶). اما برای اینکه بتواند از حق رد استفاده کند باید طبق بند ۱ ماده ۸۶ اگر کالا در تصرف وی باشد از کالا محافظت کند و طبق بند ۲ اگر قصد رد کالا را دارد و نماینده فروشنده یا خود وی در محل جهت تحویل کالا نیست، کالا را تصرف کند و از آن محافظت کند و اگر نماینده فروشنده در محل باشد، بند ۲ ماده ۸۶ اعمال نمی‌شود. حق حبس در ماده ۸۶ برای این است، که حق حبس به تعهدات فرعی هم تعلق می‌گیرد.

در حقوق ایران، این امر که خریدار بایستی از مبیع محافظت کند و در قبال آن حق حبس دارد، در قوانین پیش‌بینی نشده است. چون این امر مربوط به تعهدات فرعی قرارداد است و حق حبس به آن تعلق نمی‌گیرد. ولی در این مورد که کالا مطابق قرارداد نیست، طبق ماده ۴۱۳ قانون مدنی که خیار رویت را بیان کرده است و طبق ماده ۴۲۲ و ۴۲۵ قانون مدنی که خیار عیب را بیان کرده است، به خریدار حق فسخ داده است و به حق حبس در قبال هزینه‌های نگهداری مبیع اشاره نکرده است؛ اما با توجه به اصول کلی حقوقی، چنانچه از زمان فسخ تا زمان تحویل، خریدار بابت محافظت از مبیع مخارجی را نموده باشد، با استنباط از ماده ۲۲۰ و ۲۲۱ قانون مدنی این تعهد ضمن عقد به طور عرفی برای فروشنده وجود دارد، که باید کلیه هزینه‌های خریدار را پرداخت نماید، چنانچه خسارتی هم از این بابت به خریدار وارد شود از باب تسبیب خسارات را جبران کند.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی از انجام قراردادها، اجرای تعهدات مربوط به آنهاست. جهت تضمین انجام تعهدات و اجبار طرفین به انجام آن در ماده ۳۷۷ ق.م ایران و اصل ۵۸ و ۸۵ و ۸۶ کنوانسیون مقرراتی تحت حق حبس تدوین شده است. که موارد تشابه و تفاوت هر دو به شرح زیر می‌باشد:

موارد تشابه حق حبس در حقوق ایران و کنوانسیون عبارت‌اند از:

۱. انعقاد بیع یا قرارداد به صورت صحیح که ماده ۳۶۵ ق.م و اصل ۴ کنوانسیون ناظر بر این امر می‌باشد.
۲. مطلق بودن اجرای تعهدات بدین معنی که موعدی برای تادیه ثمن و مبیع مقرر نشده باشد، اما اگر تعهدات موجب ولی همزمان باشد مانع اجرای حق حبس نیست چون اصل همزمانی در اجرای تعهدات است؛ و اگر قسمتی از تعهد حال و قسمتی موجب باشد نسبت به تعهد حال حق حبس وجود دارد.
۳. استثنائات حق حبس موجب زوال این حق خواهد بود که عبارت‌اند از اعطای مهلت توسط طرفین به دیگری که در بند ۱ ماده ۴۷ و بند ۱ ماده ۶۳ کنوانسیون به صراحت بیان شده است. مورد دیگر انتقال دین از طریق ضمان و حواله طبق ماده ۶۹۸ و ۷۲۴ ق.م باعث سقوط حق حبس از این حیث، که ضمان و حواله موجب انتقال دین و در حکم اجرای تعهد است نه اینکه موجب سقوط تعهد از طریق تبدیل تعهد باشند، چون در تبدیل تعهد دین اصلی از بین می‌رود، درحالی‌که در این دو دین اصلی باقی می‌ماند. در کنوانسیون برای نقض‌کننده تعهدات طبق بند ۳ ماده ۷۱ کنوانسیون تضمین پیش‌بینی گردیده، که موجب سقوط حق حبس با قیاس نقض فعلی به نقض احتمالی است.

۴. حق حبس در قبال عوضین

۵. منافع در زمان اعمال حق حبس متعلق به خریدار است. تفاوت‌های حق حبس در حقوق ایران و کنوانسیون عبارت‌اند از:
 - (۱) حق حبس در حقوق ایران در ماده ۳۷۷ قانون مدنی برای طرفین پیش‌بینی شده، اما در کنوانسیون در ماده ۵۸ حق حبس فروشنده بیان شده و به حق حبس خریدار در بند ۳ ماده ۵۸ صرفاً برای بازرسی کالا اشاره شده است؛ و به الزام مشتری به تادیه ثمن در مواردی که نیازی به بازرسی نیست اشاره نشده است؛ اما مفسران این ماده را مربوط به مشتری نیز دانسته و برای وی نیز حق حبس قایل گردیده‌اند. ضمن اینکه بند ۱ ماده ۷۱ کنوانسیون از واژه متعهد استفاده کرده که هم شامل خریدار و هم شامل فروشنده می‌شود.
 - (۲) در حقوق ایران در خصوص حق حبس در قبال بازرسی کالا مقرره‌ای وجود ندارد ولی طبق عرف و عادت می‌توان این حق را احراز نمود؛ اما در کنوانسیون صراحتاً طبق بند ۳ ماده ۵۸ حق خریدار در بازرسی کالا قید شده است.
 - (۳) در حقوق ایران اگر محل پرداخت ثمن و تسلیم مبیع در قرارداد قید نشده باشد و عرف و عادت نباشد طبق ماده ۲۸۰ ق.م در محل انعقاد قرارداد مبادله انجام می‌گیرد. در کنوانسیون محلی که مبیع تسلیم می‌شود، ثمن هم پرداخت می‌شود مگر در صورت توافق خلاف آن و طبق ماده ۱۰ اگر مکان در قرارداد مشخص نشده باشد در محل تجارت فروشنده تحویل و پرداخت انجام می‌شود. در سایر موارد ماده ۳۱ کنوانسیون جهت تحویل باید رعایت شود.

- (۴) در ماده ۸۵ کنوانسیون در صورت تأخیر در قبض کالا و پرداخت ثمن توسط خریدار و هزینه‌های نگهداری مبیع، فروشنده حق حبس مبیع دارد. چون در کنوانسیون حق حبس در تعهدات اصلی و فرعی اعمال می‌شود. در حقوق ایران حق حبس در قبال هزینه‌های محافظت مبیع وجود ندارد و حق حبس فقط در تعهدات اصلی اعمال می‌شود اما ملاک عرف است. چون بعضی مواقع امکان دسترسی به دادگاه جهت تحویل مبیع وجود ندارد و طبق ماده ۳۸۷ قانون مدنی که تلف مبیع قبل از قبض بر عهده فروشنده است دال بر وظیفه فروشنده به نگهداری مبیع است. در حقوق ایران حق حبس در قبال هزینه‌ها وجود ندارد و فقط در تعهدات اصلی این حق وجود دارد. ولی از باب تسبیب طبق ماده ۲۲۱ قانون مدنی این تعهد در ضمن عقد وجود دارد که خریدار باید هزینه‌های محافظت را پرداخت نماید. فقط در ماده ۳۷۱ قانون تجارت حق حبس در قبال مخارج که تعهدات فرعی است قابلیت اعمال دارد که این امر امتیازی است برای طلب‌های تجاری و نمی‌تواند مستندی برای حق حبس باشد که دو تعهد اصلی در مقابل هم قرار می‌گیرد. لازم است در زمینه تعلق حق حبس به مخارج و هزینه‌های نگهداری و رفع حق حبس با سپردن تضمین در حقوق ایران قانونی تدوین گردد تا حقوق طرفین قرارداد تامین گردد.

منابع و مراجع

- [۱] امامی، حسن. (۱۳۷۶). حقوق مدنی، ج ۱، چاپ هیجدهم، انتشارات اسلامی: تهران.
- [۲] اندرز، داود. (۱۳۹۳). حق حبس در کنوانسیون بیع بین المللی کالا و حقوق ایران، چاپ اول، انتشارات مجد: تهران.
- [۳] جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۹۱). الفارق، چاپ ۲، ج ۳، انتشارات گنج دانش: تهران.
- [۴] جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۶). ترمینولوژی حقوق، چاپ ۸، انتشارات گنج دانش: تهران.
- [۵] جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۱). تئوری موازنه، چاپ اول، انتشارات گنج دانش: تهران.
- [۶] جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۷). اساس در قوانین مدونه، چاپ اول، انتشارات گنج دانش: تهران.
- [۷] دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه، چاپ اول، ج ۱۶، انتشارات دانشگاه تهران: تهران.
- [۸] شهیدی، مهدی. (۱۳۹۲). حقوق مدنی ۶، چاپ هفدهم، انتشارات مجد: تهران.
- [۹] شهیدی، مهدی. (۱۳۹۳). آثار قراردادهای و تعهدات، ج ۳، چاپ ۶، انتشارات مجد: تهران.
- [۱۰] صفایی و همکاران، سید حسین. (۱۳۹۲). تفسیری بر حقوق بیع بین المللی. چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه تهران: تهران.
- [۱۱] کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۴). قواعد عمومی قراردادهای، ج ۴، چاپ نهم، شرکت سهامی انتشار: تهران.
- [۱۲] بیانکا، چزاره ماسیمو با همکاری جمعی از حقوقدانان بین المللی. (۱۳۹۱). تفسیری بر حقوق بیع بین المللی. ترجمه داراب پور، مهرباب. چاپ دوم. ج ۲. انتشارات گنج دانش: تهران.
- [۱۳] بیانکا، چزاره ماسیمو با همکاری جمعی از حقوقدانان بین المللی. (۱۳۹۱). تفسیری بر حقوق بیع بین المللی. ترجمه داراب پور، مهرباب... چاپ دوم. ج ۳. انتشارات گنج دانش: تهران.
- [۱۴] ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۸ ه ق). لسان العرب. چاپ دوم. ج ۳، دارالاحیاء التراث العربی: بیروت.
- [۱۵] تبریزی، شیخ جواد. (۱۴۱۲). ارشاد الطالب الی التعلیق علی المکاسب. چاپ. ج ۴، موسسه اسماعیلیان: قم.
- [۱۶] حسینی العاملی، سید محمد جواد (۱۳۳۳ ه ق). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه. چاپ اول. ج ۶. دارالاحیاء التراث العربی: بیروت.
- [۱۷] سنهوری، عبدالرزاق احمد. (۱۹۹۸ م). الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید. چاپ سوم. ج ۲. منشورات الحلبي الحقوقیه: بیروت.
- [۱۸] معلوف، لويس. (۱۳۸۴). المنجد فی اللغة. چاپ دوم. انتشارات دارالعلم: قم.
- [۱۹] نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۸). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. چاپ دهم. ج ۲۶، دارالکتب الاسلامیه: تهران.
- [۲۰] نجفی خوانساری، شیخ موسی. (۱۴۳۱ ه ق). منیه الطالب فی حاشیه المکاسب. تقریرات شیخ محمد حسین غروی نائینی. چاپ سوم. ج ۱، موسسه نشر الاسلامی: قم.
- [21] Enderlein Fritz/ Maskow. Dietrich.1992, International Sales Law: UN Convention on Contractsfor the International Sale of Goods.Oceana Publications Inc,New York.
- [22] Gabriel deeb Henry. 2005.The Buyer s performance Under the CISG:Articles 53-6 Trends in the Decisions.Available from <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/gabriel4.html>.
- [23] Honnold John.1999. Uniform Law for International Sales under the 1980 UnitedNations Conventions.3rd edition, Boston.
- [24] Maskow Dietrich.2005. Article 58.pace Law School Institute of International Commercial Law.available on <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/maskow-bb58.html>.
- [25] Schlechtriem Peter.1998. Commentary on the UN Convention on the InternationalSale of the Goods (English Translation by Geoffrey Thomas), Second Edition Oxford.
- [۲۶] صفا، محمد علی. (۱۳۸۸). حق حبس. فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن. شماره ۲۰. ۵۹-۸۸.
- [۲۷] لاری، ای، دیمتئو، لوسین جی، دووگ، استفانی گرین، ویرجینیاجی. مائورو، و مارسیا آنه پانگاتارو. (۱۳۸۷). تعهدات خریدار در بیع بین المللی مطالعه تحلیلی در رویه قضایی کنوانسیون بیع بین المللی، ترجمه بناء نیاسری، ماشاله. مجله حقوقی، نشریه مرکزی امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلی ریاست جمهوری. شماره ۳۸. ۲۳۱-۱۹۹.

[۲۸] نوری، فخری. اصغری آق مشهدی، فخرالدین. (۱۳۸۴). حق حبس در کنوانسیون بیع بین‌المللی و حقوق ایران. نشریه نامه مفید. شماره ۵۲. دوره ۱۱. ۸۱-۹۶.